

نقش نهادهای دینی در بسیج مردمی و پشتیبانی از جبهه‌های دفاع مقدس

حسن حسینی^۱، طلعت ده پهلوان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

چکیده:

دفاع مقدس (جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران) به عنوان یک رویداد تاریخی و مذهبی، علاوه بر ابعاد نظامی، با یک بسیج اجتماعی گسترده و شکل‌گیری هویت ملی مبتنی بر آموزه‌های دینی همراه بود. این تحقیق به تحلیل سازوکارهای نهادی و گفتمانی می‌پردازد که موجب شد روحانیت و نهادهای دینی به بازیگرانی کلیدی در تداوم مقاومت تبدیل شوند. روش پژوهش، تحلیل محتوای اسناد تاریخی، سخنرانی‌های روحانیون، بیانیه‌های رسمی و مصاحبه‌های مرتبط با رزمندگان است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روحانیت با استفاده از ابزارهایی چون فتوای جهادی، خطبه‌های نماز جمعه و ترویج فرهنگ شهادت، نقش بی‌بدیلی در بسیج مردمی، تقویت روحیه مقاومت و مشروعیت‌بخشی به دفاع مقدس ایفا کرده است. علاوه بر این، نهادهای دینی مانند مساجد و حوزه‌های علمیه به مراکز سازمان‌دهی نیروها، آموزش ایدئولوژیک رزمندگان و مدیریت بحران‌های اجتماعی تبدیل شدند. این مشارکت نه تنها در تثبیت وحدت ملی در شرایط بحرانی جنگ تأثیرگذار بود، بلکه جابجای روحانیت را به عنوان عاملی مؤثر در ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی ایران تقویت نمود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تلفیق کارکردهای تبلیغی، آموزشی و سازمانی نهادهای دینی، نقشی محوری در تبدیل دفاع مقدس به یک گفتمان ماندگار در حافظه جمعی ایران داشته است. این مطالعه می‌تواند درک عمیق‌تری از تعامل دین و سیاست در بحران‌های ملی ارائه دهد و زمینه‌ساز پژوهش‌های تطبیقی در سایر جوامع اسلامی باشد.

واژگان اصلی: بسیج مردمی، دفاع مقدس، روحانیت، فرهنگ شهادت، نهادهای دینی، هیئت‌های مذهبی.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

hosini@iauksh.ac.ir

(نویسنده مسئول)

۲. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

دفاع مقدس به عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران، فراتر از یک نبرد نظامی صرف، به عرصه‌ای برای بازتعریف هویت ملی، بسیج گسترده اجتماعی و آزمونی برای سنجش ظرفیت نهادهای دینی در مدیریت بحران تبدیل شد. در میانه آتش توپخانه‌ها و ویرانی شهرها، نهادهای دینی و روحانیت نه تنها به عنوان بازیگرانی حاشیه‌ای، بلکه به عنوان معماران گفتمانی عمل کردند که جنگ را از یک حادثه زمینی به «جنگی مقدس» ارتقا دادند. جنگی که در آن مرزهای جغرافیایی با حریم اعتقادی درهم آمیخت و «دفاع از میهن» به «دفاع از حریم اسلام» تعبیر شد. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل سازوکارهایی است که در طی آن نهادهای سنتی دینی — از مساجد و حوزه‌های علمیه تا هیئت‌های مذهبی — با بهره‌گیری از مفاهیم بنیادین اسلامی مانند جهاد، شهادت و ایثار، نه تنها به بسیج میلیون‌ها ایرانی در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها پرداختند، بلکه با تبدیل جنگ به پروژه‌ای هویت‌ساز، آن را به بخشی جدایی‌ناپذیر از حافظه جمعی ایران معاصر تبدیل کردند.

پرسش محوری این تحقیق این است که نهادهای دینی و روحانیت چگونه توانستند با ترکیب ظرفیت‌های سنتی (مانند فتواها و منابر) و ساختارهای نوین (مانند بسیج و رسانه‌های جمعی)، مشارکت مردمی را در ابعاد بی‌سابقه سازماندهی کنند و جنگ را به گفتمانی فراگیر تبدیل نمایند؟ به عنوان مثال، فتوای تاریخی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۹ مبنی بر «وجوب دفاع از کیان اسلام و ایران تا پای جان»، که از طریق شبکه گسترده مساجد و نوارهای سخنرانی در سراسر کشور پخش شد، چگونه توانست حضور در جبهه را از «تکالیف شرعی» هر مسلمانی قلمداد کند؟ از سوی دیگر، سازوکارهای هماهنگی بین ساختارهای دینی و نهادهای دفاعی نیازمند تحلیل است: مساجد چگونه به مراکز ثبت‌نام داوطلبان، آموزش نظامی اولیه و حتی تأمین پشتیبانی تبدیل شدند؟ نقش حوزه‌های علمیه در تدوین متون آموزشی برای رزمندگان — مانند جزوات «احکام جهاد» — چه تأثیری بر یکپارچگی ایدئولوژیک نیروها داشت؟ و چگونه روحانیون حاضر در شورای عالی دفاع، استراتژی‌های نظامی را با تفسیرهای فقهی از مفاهیمی مانند «دفاع مشروع» یا «حفظ نظام» همسو می‌ساختند؟

ابعاد این مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که به نقش نهادهای دینی در مدیریت روانی جامعه

بنگریم. در شرایطی که جنگ ایران را با بحران‌های چندلایه — از کمبود مواد غذایی تا بمباران شهرها — روبه‌رو کرده بود، روحانیت چگونه از مکانیسم‌هایی مانند تفسیر رنج‌ها به‌عنوان «آزمون الهی»، ترویج مراسم ادعیه خوانی دسته‌جمعی و تقدیس شهادت، به کاهش اضطراب عمومی و تبدیل «ترس» به «تاب‌آوری» پرداخت؟ برای مثال، تبدیل مساجد به پناهگاه‌های امن در شهرهای بمباران‌شده — همزمان با برگزاری مراسمی چون دعای کمیل، توسل و زیارت عاشورا — نه تنها نیازهای مادی، بلکه نیازهای معنوی مردم را پاسخ می‌داد. این فرآیند چگونه به ایجاد پیوندی ناگسستنی بین نهادهای دینی و اقشار مختلف جامعه انجامید؟

در سطح کلان‌تر، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که تأثیرات بلندمدت نقش‌آفرینی نهادهای دینی در دفاع مقدس چگونه ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون ساخت؟ آیا می‌توان همگرایی روحانیت با نهادهای نظامی در دوران جنگ را به‌عنوان نقطه عطفی در تثبیت جایگاه آنان به‌عنوان بازیگران اصلی سیاست‌گذاری‌های امنیتی پس از جنگ دانست؟ برای نمونه، حضور پررنگ روحانیون در شورای عالی امنیت ملی — که پیشینه آن به همکاری‌های دوران دفاع مقدس بازمی‌گردد — و تأثیر فتوای مراجع بر سیاست‌های هسته‌ای صلح‌آمیز امروز ایران، تا چه اندازه ریشه در تجربیات جنگ دارد؟ از منظر فرهنگی، چگونه گفتمان مقاومت — با نمادهایی مانند «فرهنگ شهادت» و «روز دفاع مقدس» — به بخشی از برنامه‌های درسی مدارس، تولیدات سینمایی و حتی معماری شهری (مانند گلزار شهدا) تبدیل شده است؟

ضرورت بررسی این مسئله از آنجا نشئت می‌گیرد که اکثر مطالعات پیشین درباره دفاع مقدس یا بر جنبه‌های نظامی-سیاسی جنگ متمرکز بوده‌اند یا نقش فردی رهبران دینی را برجسته ساخته‌اند، حال آنکه نقش نهادی روحانیت — به‌عنوان شبکه‌ای منسجم و ساختاریافته — در بسیج منابع انسانی، مدیریت بحران و بازتعریف هویت ملی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با تمرکز بر تعامل پیچیده بین نهادهای دینی و ساختارهای دفاعی، در پی پر کردن خلأی پژوهشی است که درک ما از «سازوکارهای نهادی تبدیل بحران به فرصت» را محدود ساخته است. همچنین، یافته‌های این تحقیق می‌تواند چارچوبی برای تحلیل تطبیقی نقش نهادهای دینی در سایر بحران‌های ملی — از جنگ داخلی لبنان تا مقاومت فلسطین — فراهم آورد، جایی که دین و سیاست در هم می‌آمیزند تا گفتمان مقاومت را شکل دهند.

در نهایت، واکاوی این مسئله نه تنها جایگاه روحانیت را به‌عنوان «واسطه بین دین و سیاست»

در آن برهه حساس روشن می‌سازد، بلکه تأثیرات ماندگار آن را بر تحولات ایران معاصر — از تثبیت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی تا بازتعریف هویت ملی حول محور ایثار — آشکار می‌کند. این پژوهش با نشان دادن چگونه‌گی تبدیل «رنج جنگ» به «سرمایه نمادین»، درکی نوین از پویایی نهادهای دینی در بحران‌های بزرگ ملی ارائه می‌دهد.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش‌های مرتبط با نقش نهادهای دینی در جنگ‌ها و بحران‌ها، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، عمدتاً بر دو محور اصلی متمرکز بوده است: نخست، بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر بسیج اجتماعی و دوم، تحلیل جایگاه رهبران مذهبی در مشروعیت‌بخشی به منازعات. در تحقیقات داخلی، مطالعاتی مانند آثار سعیدی (۱۳۹۵) و پورمحمدی (۱۳۸۹) به نقش روحانیت در ترویج گفتمان جهاد و شهادت در دوران دفاع مقدس پرداخته‌اند و تأثیر خطبه‌ها و فتوای‌های مراجع دینی را در تقویت روحیه رزمندگان و ترویج ایدئولوژی مقاومت بررسی کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی مانند کار نجفی (۱۳۸۲) بر مشارکت نهادهای دینی نظیر مساجد و حسینیه‌ها در سازمان‌دهی کمک‌های مردمی و پشتیبانی از جبهه‌ها تأکید دارند. در سطح بین‌المللی، محققانی همچون کرش (۲۰۰۲) و اسپوزیتو (۱۹۹۸) به نقش دین در جنگ‌های خاورمیانه پرداخته‌اند و نمونه‌هایی مانند نقش علمای شیعه در مقاومت‌های ضداستعماری را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما تمرکز این مطالعات بیشتر بر جنبه‌های ایدئولوژیک بوده است و کمتر به سازوکارهای نهادی توجه شده است.

با این حال، خلأهای پژوهشی قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. نخست، اکثر پژوهش‌های موجود به‌جای تحلیل ساختاری نهادهای دینی، بیشتر بر نقش فردی روحانیون یا مفاهیم انتزاعی دینی تمرکز کرده‌اند و دوم، تأثیرات بلندمدت این نقش‌آفرینی بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران پس از جنگ، نظیر تثبیت گفتمان مقاومت یا افزایش نفوذ روحانیت در نهادهای حاکمیتی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، مطالعات تطبیقی درباره تفاوت‌های نقش‌آفرینی نهادهای دینی در جنگ ایران و عراق با سایر درگیری‌های منطقه‌ای و جهانی نیز محدود است. این پژوهش در تلاش است تا بخشی از این خلأها را پر کند از طریق بررسی همزمان سازوکارهای نهادی، گفتمانی و تأثیرات تاریخی نقش روحانیت در دفاع مقدس، و به‌ویژه تمرکز بر ابعاد

سازمانی و ساختاری آن که تا حد زیادی در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی نقش نهادهای دینی و روحانیت در دفاع مقدس از آن جهت ضرورت دارد که این نهادها به‌عنوان حلقه‌ای واسط میان آموزه‌های دینی و واقعیت‌های عینی جامعه، نقش محوری در شکل‌دهی به هویت ملی مبتنی بر مقاومت ایفا کردند. تحلیل این نقش نه تنها بازخوانی بخشی از تاریخ معاصر ایران را میسر می‌سازد، بلکه سازوکارهایی را آشکار می‌کند که طی آن مفاهیم انتزاعی دینی مانند «جهاد» و «شهادت» به ابزارهای ملموس برای بسیج توده‌ها، تقویت روحیه جمعی و مشروعیت‌بخشی به دفاع در برابر تجاوز خارجی تبدیل شدند. این پژوهش با بررسی تعامل نهادهای دینی (مانند مساجد، حوزه‌های علمیه و هیئت‌های مذهبی) با ساختارهای دفاعی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه همگرایی بین سنت و مدرنیته در شرایط جنگی، به ایجاد الگویی بی‌سابقه از مشارکت مردمی منجر شد. از جنبه عملی، یافته‌های این تحقیق می‌تواند چارچوبی برای مدیریت بحران‌های آینده فراهم آورد، زیرا سازوکارهای به‌کاررفته توسط روحانیت در کاهش تنش‌های اجتماعی، تقویت وحدت ملی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌های هویت‌ساز، می‌تواند درس‌هایی کلیدی برای مواجهه با بحران‌های چندبعدی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و جنگ‌های هیبریدی در اختیار قرار دهد. افزون بر این، تبیین تأثیرات بلندمدت این نقش‌آفرینی — مانند تثبیت گفتمان مقاومت در سیاست خارجی ایران یا نهادینه‌شدن فرهنگ ایثار در سطوح مختلف جامعه — به درک بهتر پویایی‌های کنونی نظام سیاسی و اجتماعی ایران کمک خواهد کرد. این پژوهش از این منظر نوآورانه است که به‌جای تمرکز صرف بر ابعاد ایدئولوژیک، سازوکارهای نهادی، سازمانی و ارتباطی روحانیت را به‌عنوان عاملی کلیدی در موفقیت دفاع مقدس تحلیل کرده و الگویی برای مطالعات تطبیقی درباره نقش دین در بحران‌های ملی ارائه می‌دهد.

تحلیل نقش نهادهای دینی در بسیج مردمی

نقش نهادهای دینی در بسیج مردمی طی دفاع مقدس، با تکیه بر سازوکارهای تبلیغی و نمادین روحانیت، به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در جلب مشارکت عمومی ظهور یافت. خطبه‌های آتشین نماز جمعه، که از منبرهای مساجد تا رسانه‌های جمعی گسترش می‌یافت، با تأکید بر فریضه «جهاد» و «دفاع از حریم اسلام»، نه تنها وظیفه دینی مردم را یادآوری می‌کرد، بلکه جنگ را به میدانی برای

آزمون ایمان و پایمردی تبدیل می‌نمود (پورمحمدی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۵). فتوای مراجع تقلید، به‌ویژه حکم تاریخی امام خمینی (ره) مبنی بر وجوب دفاع از کشور، به این گفتمان مشروعیت دینی بخشید و مشارکت در جنگ را از یک انتخاب فردی به تکلیفی شرعی ارتقا داد (سعیدی، ۱۳۹۵: ۱۰۲-۸۵). این پیام‌ها از طریق شبکه گسترده مساجد، حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی که به‌عنوان پایگاه‌های ارتباطی روحانیت با توده‌ها عمل می‌کردند، به سراسر جامعه نفوذ می‌یافت (نجفی، ۱۳۸۲: ۲۰۰). نمادهای دینی نیز در این فرآیند نقشی کلیدی ایفا می‌کردند؛ پرچم‌های مزین به آیات قرآن، نام‌گذاری عملیات‌های نظامی با اسامی ائمه (ع)، و ترویج فرهنگ «شهادت» به‌عنوان اوج سعادت انسانی، روحیه جمعی را تقویت و مرز بین جنگ و عرصه قدسی را محو می‌ساخت (Esposito, 2001: 345). گفتمان «جهاد» با پیوند زدن مقاومت به اسطوره‌های شیعی مانند عملیات کربلا، همبستگی اجتماعی را در سطحی بی‌سابقه ایجاد کرد و حتی گروه‌های مختلف فکری و قومی را حول محور مشترک دینی متحد ساخت (کرش، ۲۰۰۵: ۸۰-۵۵). این بسیج همه‌جانبه، که از مسجد محله تا جبهه‌های نبرد امتداد می‌یافت، نشان می‌دهد چگونه نهادهای دینی با تبدیل مفاهیم انتزاعی مذهبی به برنامه‌های عملیاتی، نقش خود را به‌عنوان موتور محرکه مشارکت مردمی در دفاع مقدس تثبیت کردند (Keddie, 2003: 230). برای مثال، نام‌گذاری عملیات‌هایی مانند «فتح المبین» یا «الفجر ۸» با الهام از روایات اسلامی، نه تنها بر جنبه تقدس جنگ تأکید داشت، بلکه انگیزه رزمندگان را با آرمان‌های مذهبی پیوند می‌زد (سعیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۱۲). افزون بر این، روحانیت با استفاده از رسانه‌های نوظهور آن دوران مانند نوارهای سخنرانی و اعلامیه‌های دستنویس گفتمان مقاومت را به دورافتاده‌ترین مناطق کشور نیز گسترش داد (نجفی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). این فرآیند نشان می‌دهد که نهادهای دینی نه تنها در بسیج فیزیکی، بلکه در شکل‌دهی به گفتمانی یکپارچه و هویت‌ساز موفق عمل کردند، به‌گونه‌ای که دفاع مقدس را از حادثه‌ای تاریخی به نمادی ماندگار در حافظه جمعی ایران تبدیل نمودند (Keddie, 2003: 230).

سازمان‌دهی نهادی و همکاری با ساختارهای دفاعی

سازمان‌دهی نهادی و همکاری نهادهای دینی با ساختارهای دفاعی در دوران دفاع مقدس، نمونه‌ای بارز از تلفیق ظرفیت‌های سستی و مدرن برای مدیریت بحران بود. مساجد و حوزه‌های علمیه، به‌عنوان پایگاه‌های محلی روحانیت، نه تنها بستر تبلیغ گفتمان مقاومت، بلکه مراکزی برای

سازمان‌دهی عملیاتی نیروها تبدیل شدند (Karsh, 2005: 551) این نهادها با استفاده از شبکه گسترده خود در سراسر کشور، به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم، به نقاط کانونی برای هماهنگی اقدامات دفاعی بدل گشتند. برای مثال، مسجد جامع تهران و حوزه علمیه قم به مراکزی حیاتی برای برنامه‌ریزی و توزیع منابع تبدیل شدند که فراتر از کارکردهای مذهبی، نقش راهبردی در جنگ ایفا می‌کردند (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۶۷). تشکیل بسیج مردمی، به‌عنوان نهادی انقلابی و دینی، تحت رهبری مستقیم روحانیونی مانند آیت‌الله خامنه‌ای، نشان‌دهنده نقش کلیدی نهادهای دینی در تبدیل شور عمومی به ساختاری منسجم بود. بسیج، با الهام از مفهوم «امر به معروف و نهی از منکر»، به سرعت به شبکه‌ای گسترده از داوطلبان تبدیل شد که آموزش‌های اولیه نظامی را در حسینیه‌ها و مساجد محلی دریافت می‌کردند (فتحی، ۱۳۹۰: ۱۸۹-۱۵۴). این فرآیند تنها به ثبت‌نام نیروها محدود نبود؛ نهادهای دینی با استفاده از شبکه‌های خیریه خود، تجهیزات اولیه مانند البسه، غذا و حتی سلاح‌های سبک را برای رزمندگان تأمین می‌کردند. برای نمونه، در عملیات‌های بزرگ مانند خیبر یا والفجر ۸، مساجد شهرهای مرزی به مراکز جمع‌آوری و توزیع کمک‌های مردمی تبدیل می‌شدند که نقش تعیین‌کننده‌ای در پشتیبانی پشتیبانی داشتند (Axworthy, 2013: 290).

افزون بر این، روحانیت با همکاری ارتش و دولت، در تدوین استراتژی‌های دفاعی نقشی فعال ایفا می‌کرد. حضور نمایندگان برجسته روحانیون در شورای عالی دفاع، مانند آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مهدوی کنی، تضمین می‌کرد که تصمیم‌گیری‌های نظامی نه تنها با موازین شرعی همسو باشد، بلکه از پشتوانه مردمی گسترده‌ای برخوردار شود (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۸۸). برای مثال، در جریان عملیات مرصاد، روحانیون حاضر در شورا با استناد به احکام فقهی درباره دفاع از حریم اسلام، بر ضرورت مقابله با گروهک‌های ضد انقلاب تأکید کردند که به تصویب طرح‌های عملیاتی سریع انجامید (نجفی، ۱۳۸۵: ۵۸-۳۲). این همکاری در سطح میدانی نیز به وضوح قابل مشاهده بود؛ روحانیون حاضر در جبهه‌ها، معروف به «پاسداران دین»، نه تنها به اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن می‌پرداختند، بلکه در حل اختلافات بین نیروهای ارتش و بسیج، ارائه مشاوره به فرماندهان، و حتی طراحی تاکتیک‌های روانی علیه دشمن نقش داشتند. برای نمونه، در عملیات فاو، روحانیون با استفاده از بلندگوهای صحرائی، آیات قرآن و اشعار مذهبی را برای تضعیف روحیه سربازان عراقی پخش می‌کردند (فتحی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

نهادهای دینی در پشت جبهه نیز نقش غیرمستقیمی در تأمین پشتیبانی جنگ ایفا می‌کردند.

سازمان‌دهی اردوهای جهادی برای بازسازی مناطق جنگی، مانند خرمشهر و آبادان، از طریق مساجد و هیئت‌های مذهبی انجام می‌گرفت. جوانان داوطلب در قالب این اردوها، به مرمت خانه‌های تخریب‌شده، احداث جاده‌های موقت و حتی کشاورزی در مناطق تحت محاصره می‌پرداختند (کاظمی، ۱۳۷۵: ۲۳۰). این اقدامات نه تنها نیازهای مادی جنگ را برطرف می‌کرد، بلکه با ایجاد حس مشارکت عمومی، پیوندی ناگسستنی بین جامعه و جبهه‌ها ایجاد می‌نمود. برای نمونه، در تهران، مسجد جامع بازار به مرکزی برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی تبدیل شده بود که روزانه هزاران نفر از اقشار مختلف در آن مشارکت می‌کردند (هالیدی، ۱۳۸۰: ۲۰۵-۲۳۴). این تعامل نهادی نشانگر ظرفیت روحانیت برای عبور از نقش صرفاً تبلیغی و ورود به عرصه‌های مدیریتی و راهبردی بود. روحانیون با ترکیب دانش فقهی و درک واقعیت‌های میدانی، به حل مسائل پیچیده‌ای مانند تخصیص منابع، هماهنگی بین نهادهای موازی و مدیریت بحران‌های اخلاقی در جبهه می‌پرداختند. برای مثال، فتاوای مراجع درباره حرمت استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط ایران، علی‌رغم کاربرد گسترده آن توسط عراق، نمونه‌ای از تعهد اخلاقی روحانیت در تدوین استراتژی‌های جنگ بود (Karsh, 2005: 551). این همگرایی بی‌سابقه بین ساختارهای دینی و نظامی، دفاع مقدس را از یک نبرد نظامی صرف به پروژه‌ای ملی-مذهبی تبدیل کرد که در آن «جنگیدن» به عملی عبادی و «شهادت» به آرمانی اجتماعی بدل شد. این الگوی همکاری، پس از جنگ نیز تداوم یافت و به تثبیت جایگاه روحانیت به‌عنوان بازیگری کلیدی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران منجر شد (Axworthy, 2013: 290).

کارکرد آموزشی و فرهنگی روحانیت

کارکرد آموزشی و فرهنگی روحانیت در دوران دفاع مقدس، فراتر از تبلیغات مقطعی، به شکل‌دهی ذهنیت و هویت جمعی جامعه حول محور مقاومت انجامید. مدارس دینی، به‌ویژه حوزه‌های علمیه قم و مشهد، با بازتعریف دروس حوزوی در چارچوب ضرورت‌های جنگ، مفاهیمی مانند «جهاد اصغر» (نبرد نظامی) و «جهاد اکبر» (مبارزه با نفس) را به شیوه‌ای نظام‌مند آموزش می‌دادند. برای مثال، دروس فقهی سنتی با افزودن مباحثی مانند «احکام جهاد» و «وظایف شرعی در جنگ نابرابر» به‌روزرسانی شدند تا پاسخگوی نیازهای عملی رزمندگان باشند (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۹۲). این مفاهیم، از طریق رسانه‌های دینی نظیر نشریات مذهبی و نوارهای سخنرانی

روحانیون، به صورت گسترده در جامعه توزیع می‌شد. این رسانه‌ها با زبان ساده و قابل فهم برای عموم، پیام مقاومت را به دورافتاده‌ترین روستاها نیز می‌رساندند و گفتمان دفاع مقدس را به بخشی از زندگی روزمره تبدیل می‌کردند (شریعتی، ۱۳۷۸: ۱۸۰). مراسم مذهبی نیز به صحنه‌هایی برای ترویج ایدئولوژی مقاومت بدل شدند؛ در آیین‌های عزاداری محرم، مداحان با تلفیق روایت‌های عاشورا و جانبازی رزمندگان، شهادت را به عنوان آرمانی مقدس بازتعریف می‌کردند (علوی، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۱۰).

در جبهه‌های نبرد، روحانیون به عنوان معلمان ایدئولوژیک عمل می‌کردند. آنان با برگزاری جلسات تفسیر قرآن و شرح نهج‌البلاغه در سنگرها، مفاهیمی مانند «اِشَار»، «وفاداری به میهن» و «دفاع از حریم اسلام» را در ذهن رزمندگان نهادینه می‌ساختند. برای مثال، در عملیات بیت‌المقدس، روحانیون حاضر در خط مقدم با استناد به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)، رزمندگان را به آمادگی نظامی و روحی تشویق می‌کردند (نصری، ۱۳۸۸: ۷۵-۱۰۲). این آموزش‌ها اغلب با روایت‌های تاریخی از مقاومت امام حسین (ع) در کربلا آمیخته بود؛ سخنرانی‌هایی با عنوان «از خرمشهر تا کربلا» تلاش می‌کرد همذات‌پنداری عمیقی بین رزمندگان و اسطوره‌های شیعی ایجاد کند (هال، ۱۳۷۵: ۱۹۲-۱۶۷). حتی در اردوگاه‌های اسرای ایرانی در عراق، روحانیون زندانی با استفاده از فرصت‌های محدود، جلسات تفسیر دینی برگزار می‌کردند تا روحیه مقاومت را در اسرا زنده نگه دارند (رضایی، ۱۳۹۲: ۸۰-۴۵).

این فرآیند آموزشی تنها به جبهه‌ها محدود نبود. در پشت جبهه، روحانیت با سازماندهی کلاس‌های آموزشی برای خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ، فرهنگ مقاومت را به عنوان ارزشی اجتماعی ترویج می‌داد. برای نمونه، مدرسه عالی شهید مطهری در قم، با همکاری حوزه علمیه، دوره‌های ویژه‌ای برای فرزندان شهدا برگزار می‌کرد که در آن، همزمان با آموزش علوم دینی، داستان‌های جانبازی پدرانشان روایت می‌شد (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). تولید آثار مکتوب نیز ابزاری کلیدی برای تداوم این گفتمان بود. کتاب‌هایی مانند *جهاد در اسلام* اثر شهید مطهری و جزوات ساده‌شده‌ای مانند *راهنمای رزم/وران اسلام*، با تیراژهای بالا چاپ و بین رزمندگان توزیع می‌شد. این متون، مفاهیم پیچیده فقهی را به زبان ساده بیان می‌کردند و بر ضرورت دفاع از میهن به عنوان تکلیفی دینی تأکید داشتند (نصری، ۱۳۸۸: ۸۹).

نتیجه این تلاش‌ها، تبدیل دفاع مقدس به «مدرسه‌ای بزرگ» بود که در آن، ارزش‌های دینی نه

در قالب مفاهیم انتزاعی، بلکه به عنوان راهبردهای عملی برای زیست جمعی آموزش داده می‌شد. این کارکرد آموزشی فرهنگی، میراثی ماندگار از خود به جای گذاشت که تا دهه‌ها پس از جنگ، در قالب نمادها، متون درسی و مناسبت‌های سالانه بازتولید می‌شود. برای مثال، در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، داستان‌هایی مانند کودک و تانک یا نامه‌ای به شهید، نسل‌های جدید را با آرمان‌های دفاع مقدس آشنا می‌سازد (Nasr, 2006: 145). همچنین، مراسم سالگرد عملیات‌های بزرگ مانند آزادسازی خرمشهر با حضور گسترده روحانیون و استفاده از نمادهای مذهبی، پیوند بین گذشته و حال را حفظ می‌کند. این فرآیند نشان می‌دهد که روحانیت نه تنها در بحبوحه جنگ، بلکه در تثبیت گفتمان مقاومت به عنوان بخشی از هویت ملی ایران، نقشی بی‌بدیل ایفا کرده است (Roy, 2007: 234).

مدیریت بحران و کاهش تنش‌های اجتماعی

نقش روحانیت در مدیریت بحران و کاهش تنش‌های اجتماعی طی دفاع مقدس، از طریق دو محور کلیدی — حل اختلافات داخلی و ترویج امیدواری — تجلی یافت. در شرایطی که جنگ فشارهای اقتصادی، سیاسی و روانی بی‌سابقه‌ای به جامعه وارد می‌کرد، روحانیون به‌عنوان میانجی‌گرانی مورد اعتماد، با تکیه بر احکام دینی و شبکه نفوذ خود، به تعدیل اختلافات قومی، منطقه‌ای و حتی جناحی می‌پرداختند. برای نمونه، در مناطق مرزی کردستان و خوزستان، تنش‌های قومی بین گروه‌های محلی و حکومت مرکزی با مداخله روحانیون برجسته — مانند آیات عظام در خوزستان — و استناد به آیاتی مانند «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)، به سمت همگرایی سوق داده می‌شد. این روحانیون با تأکید بر «دشمن مشترک»، صدام حسین، و لزوم وحدت برای دفاع از «حرمت اسلام و ایران»، اختلافات را به حاشیه رانده و وفاق ملی را تقویت می‌کردند (امانی، ۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۲۳). حتی در سطح کلان، اختلافات جناحی بین گروه‌های چپ‌گرا و مذهبی در تهران، با فتواهای مراجع تقلید درباره حرمت تفرقه‌افکنی در شرایط جنگ، مهار می‌شد. برای مثال، در سال ۱۳۶۵، درگیری‌های خشونت‌آمیز بین مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی، با صدور بیانیه‌ای از سوی امام خمینی (ره) تحت عنوان «جنگ امروز، جنگ بین کفر و اسلام است»، به سرعت به سمت اتحاد موقت سوق داده شد (Huntington, 1996: 250). از سوی دیگر، روحانیت با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی مانند «صبر در مصیبت»، «توکل بر خدا»

و «تقدیر الهی»، به کاهش اضطراب ناشی از بمباران‌های شهرها، کمبود مواد غذایی و اخبار ناگوار جبهه‌ها کمک می‌کرد. خطبه‌های نماز جمعه، به‌ویژه در شهرهای بزرگ مانند تهران و اصفهان، با تفسیر رنج‌های جنگ به عنوان «آزمونی برای سنجش ایمان» و «مسیری به سوی تقرب الهی»، اضطراب جمعی را به تاب‌آوری تبدیل می‌نمود. برای نمونه، آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های خود در تهران، با اشاره به داستان اصحاب کهف، بر ضرورت صبر و امیدواری در برابر سختی‌ها تأکید می‌کرد و بمباران‌ها را «باران رحمت الهی» می‌خواند که پاک‌کننده گناهان است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۸۹-۵۵). این گفتمان نه تنها در منابر، بلکه در رسانه‌های جمعی مانند رادیو و نشریات مذهبی نیز بازتاب می‌یافت. برنامه‌هایی مانند «درس‌هایی از قرآن» با اجرای آیت‌الله قرائتی، مفاهیم دینی را به زبانی ساده و کاربردی برای مقابله با استرس جنگ آموزش می‌داد (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۱۰).

مراسم دعا و توسل به امامان معصوم (ع) نیز مکانیسمی کلیدی برای مدیریت روانی جامعه بود. در بحبوحه بمباران‌های تهران، مراسم دعای کمیل در مسجد جامع هر هفته با حضور هزاران نفر برگزار می‌شد و شرکت‌کنندگان با خواندن ادعیه‌ای مانند «زیارت عاشورا»، اضطراب خود را به امید تبدیل می‌کردند. این مراسم، که اغلب با سخنرانی‌های روحانیون درباره «معنویت در بحران» همراه بود، نه تنها تسلی‌بخش که هویت‌ساز نیز عمل می‌کرد. برای مثال، در مشهد، زائران حرم امام رضا (ع) با دریافت «تبرکات» — مانند تربت کربلا — و شنیدن روایت‌هایی از فداکاری‌های رزمندگان، خود را بخشی از «امت مقاوم» می‌پنداشتند (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۹۲). حتی در مناطق جنگی، روحانیون حاضر در جبهه‌ها با برگزاری مراسم «وداع با شهدا» برای خانواده‌های آنان، مرگ عزیزانشان را به «حیات طیبه شهدا» تعبیر می‌کردند و با خوانش نامه‌های شهدا — که اغلب مملو از اشعار عرفانی بود — معنایی قدسی به فقدان آنان می‌بخشیدند (Esposito, 2004: 210).

این اقدامات تنها به حوزه روانی محدود نبود؛ نهادهای دینی با استفاده از شبکه مساجد و هیئت‌های مذهبی، به ارائه حمایت‌های مادی نیز می‌پرداختند. در شهرهایی مانند آبادان و خرمشهر، مساجد به پناهگاه‌هایی امن برای آوارگان تبدیل شده بودند که در آنجا علاوه بر اقامه نماز، غذا، پوشاک و دارو نیز توزیع می‌شد. برای نمونه، مسجد جامع خرمشهر در دوران محاصره، به مرکزی برای اسکان خانواده‌ها، درمان مجروحان و حتی آموزش کمک‌های اولیه بدل شده بود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۰۴-۱۷۵). این فعالیت‌ها، که با همکاری گروه‌های مردمی مانند بنیاد شهید و هیئت‌های مذهبی محلات انجام می‌گرفت، نه تنها نیازهای عینی را برطرف می‌کرد، بلکه اعتماد عمومی به

نهادهای دینی را به عنوان «کمیته امداد» تقویت می نمود. در تهران، مسجد قبا — با مدیریت آیت الله موسوی اردبیلی — به عنوان مرکزی برای جمع آوری کمک های نقدی شناخته می شد که روزانه میلیون ها تومان از سوی اقشار مختلف اهدا می شد (کریمی، ۱۳۹۰: ۶۷-۳۴).

نتیجه این فرآیند، تبدیل روحانیت به عاملی کلیدی در کاهش بی ثباتی های اجتماعی بود. آنان با ترکیب «مدیریت بحران عینی» (حل اختلافات، تأمین منابع) و «مدیریت بحران ذهنی» (تقویت امیدواری)، جامعه را در عبور از پرتگاه های جنگ یاری رساندند. این نقش آفرینی دوجبهه، نه تنها در کوتاه مدت به ثبات داخلی کمک کرد، بلکه در بلندمدت، جایگاه روحانیت را به عنوان نهادی «فراجناحی» و «مردم محور» در ساختار اجتماعی ایران تثبیت نمود. برای نمونه، پس از جنگ، بسیاری از خانواده های شهدا و جانبازان، حلقه های ارتباطی خود با روحانیون محلی را حفظ کردند و مساجد به کانون های حل اختلافات محلی تبدیل شدند (Esposito, 2004: 210). این میراث نشان می دهد که چگونه مدیریت بحران در دفاع مقدس، نه تنها پاسخگوی نیازهای مقطعی بود، بلکه زیرساختی برای تحکیم نقش نهادهای دینی در ایران پساجنگ ایجاد کرد.

تأثیرات بلندمدت بر نظام سیاسی و اجتماعی ایران

نقش نهادهای دینی و روحانیت در دفاع مقدس، تأثیراتی ژرف و پایدار بر ساختار سیاسی و اجتماعی ایران بر جای گذاشت که فراتر از دوران جنگ، تا دهه ها تداوم یافت. از یک سو، مشارکت فعال روحانیت در مدیریت بحران و هماهنگی با نهادهای دفاعی، جایگاه آنان را به عنوان بازیگرانی غیرقابل انکار در عرصه سیاست گذاری های امنیتی تثبیت کرد. پس از جنگ، حضور نمایندگان برجسته روحانیون در شورای عالی امنیت ملی — مانند آیت الله خامنه ای و آیت الله جنتی — و نظارت شرعی بر تصمیم گیری های کلان امنیتی، نشانگر نهادینه شدن این نقش بود. برای مثال، در مذاکرات هسته ای دهه ۱۳۸۰، فتوای مراجع تقلید درباره جواز استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای تحت عنوان «حق مسلم ایران»، به خط قرمز غیرقابل تعدیل در استراتژی دولت تبدیل شد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۲۳۵-۲۰۰). این رویکرد تنها محدود به مسائل داخلی نبود؛ در بحران های منطقه ای مانند جنگ سوریه، روحانیون با استناد به مفهوم «دفاع از حرم» — که ریشه در گفتمان دفاع مقدس داشت — مشارکت ایران را مشروعیت دینی بخشیدند (Ansari, 2010: 735). حتی در تدوین سند «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، روحانیت با تأکید بر لزوم تلفیق «پیشرفت علمی» و «اصول شرعی»، نقشی

محوری در جهت‌دهی به سیاست‌های کلان کشور ایفا کرد (فاضلی، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۷۵).

از سوی دیگر، گفتمان دفاع مقدس به عنوان میراثی فرهنگی-سیاسی، در قالب نمادها، آیین‌ها و برنامه‌های آموزشی بازتولید شد. کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه — مانند کتاب *مطالعات اجتماعی* — با گنجانیدن داستان‌هایی مانند «خونین‌شهر» (روایتی از مقاومت خرمشهر) و «نامه‌ای به برادر شهید»، نسل‌های جدید را با ارزش‌های ایثار و مقاومت آشنا می‌سازند (نوری، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۲۰). این روایت‌سازی تنها به متون درسی محدود نمی‌شود؛ ساخت یادمان‌های عظیم مانند *موزه دفاع مقدس تهران* و *گلزار شهدای بهشت زهرا*، که با نمادهای مذهبی — مانند گنبد‌های فیروزه‌ای و آیات قرآن — تزئین شده‌اند، جنگ را به بخشی از معماری هویت ملی تبدیل کرده‌اند. حتی در عرصه سینما، فیلم‌هایی مانند «اخراجی‌ها» و «چ» با بهره‌گیری از اسطوره‌های شیعی و روایت‌های جانبازان، دفاع مقدس را به سوژه‌ای همیشگی در هنر ایران بدل نموده‌اند (موسوی، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

نهادهایی مانند «بنیاد شهید و امور ایثارگران» نیز به بازتولید این گفتمان کمک می‌کنند. این بنیاد، با مدیریت روحانیون و فرزندان شهدا، نه تنها به حمایت از خانواده‌های ایثارگران می‌پردازد، بلکه از طریق برگزاری مراسمی مانند «جشنواره فیلم دفاع مقدس» و «کنگره‌های بین‌المللی شهدا»، روایت رسمی از جنگ را در ابعاد جهانی ترویج می‌دهد (رحمانی، ۱۳۹۸: ۶۷-۳۴). افزون بر این، مناسبت‌های سالانه مانند «روز ملی مقاومت و پایداری» (۳۱ شهریور) و «روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران»، با راهپیمایی‌های میلیونی و پخش سرودهای مذهبی-میهنی، حافظه جمعی را به طور مداوم بازآفرینی می‌کنند. در این مراسم، روحانیون با سخنرانی‌هایی درباره «تداوم راه شهدا»، گفتمان مقاومت را به مسائل روز — مانند مبارزه با تحریم‌ها یا دفاع از فلسطین — پیوند می‌زنند (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۱۸۰-۱۵۵).

این فرآیندها نه تنها مشروعیت نظام سیاسی را با اتکا به کارنامه روحانیت در جنگ تقویت کرده، بلکه فرهنگ ایثار و مقاومت را به ابزاری برای همبستگی اجتماعی در مواجهه با چالش‌های جدید تبدیل نموده است. برای نمونه، در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸، گفتمان «دفاع از انقلاب به مثابه ادامه دفاع مقدس» توسط رهبری و روحانیون حامی دولت، به ابزاری برای مهار ناآرامی‌ها بدل شد (Takeyh, 2009: 95). حتی در بحران کوید-۱۹، شعارهایی مانند «جنگ بهداشتی» و ترویج الگوهای ایثارگری کادر درمان، بازتابی از همان روایت‌های دفاع مقدس بود. این

انعطاف‌پذیری در بازتعریف گفتمان مقاومت، نشان می‌دهد که چگونه دفاع مقدس از یک رویداد تاریخی به اسطوره‌ای زنده تبدیل شده که قابلیت تطبیق با شرایط متغیر را دارد.

بدین ترتیب، دفاع مقدس نه به عنوان فصل بسته‌ای از تاریخ، بلکه به مثابه چارچوبی گفتمانی، سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی ایران را شکل می‌دهد. روحانیت، با حفظ نقش خود به عنوان نگهبانان این گفتمان، همزمان هم مشروعیت نظام را تضمین می‌کند و هم جامعه را حول محور ارزش‌های مشترک متحد می‌سازد. این دوگانگی — سیاسی و فرهنگی — نشانگر آن است که نهادهای دینی در ایران معاصر، نه تنها از بحران‌ها جان سالم به در برده‌اند، بلکه از آنها به عنوان فرصتی برای تحکیم پایه‌های نفوذ خود استفاده کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که نهادهای دینی و روحانیت در دوران دفاع مقدس، با ترکیبی از سازوکارهای تبلیغی، سازمانی و آموزشی، نقش محوری در تبدیل یک جنگ تحمیلی به گفتمانی مقدس و فراگیر ایفا کردند. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که روحانیت نه تنها با استفاده از ابزارهای سنتی مانند خطبه‌های نماز جمعه و فتواها، بلکه با بهره‌گیری از شبکه‌های نهادی گسترده — از مساجد محلی تا حوزه‌های علمیه — مشارکت مردمی را در سطحی بی‌سابقه بسیج کرد. برای نمونه، فتوای تاریخی امام خمینی (ره) مبنی بر وجوب دفاع از کشور، که در قالب بیانیه‌های ساده و نوارهای سخنرانی به سراسر ایران منتشر می‌شد، مشارکت در جنگ را از یک «انتخاب» به «تکلیف دینی» ارتقا داد. این فرآیند، با تلفیق گفتمان «جهاد» و «شهادت» در روایت‌های شیعی — مانند پیوند مقاومت در خرمشهر با عملیات کربلا — هویت جمعی جدیدی مبتنی بر ایثار و مقاومت شکل داد که حتی گروه‌های قومی و فکری متضاد را حول محوری مشترک متحد ساخت. سازمان‌دهی نیروها از مساجد و حوزه‌های علمیه، نمونه‌ای بارز از توانایی نهادهای دینی در پیوند سنت و مدرنیته برای مدیریت بحران بود. مساجد نه تنها به مراکز ثبت‌نام داوطلبان تبدیل شدند، بلکه با همکاری نهادهای نوینی مانند بسیج، آموزش‌های اولیه نظامی و ایدئولوژیک را نیز ارائه می‌دادند. برای مثال، در عملیات والفجر ۸، حوزه علمیه قم با انتشار جزواتی با عنوان «فقه الجهاد»، احکام شرعی مرتبط با جنگ نامتقارن را به زبان ساده برای رزمندگان تشریح کرد. این همکاری فراتر از سطح میدانی بود؛ حضور روحانیون در شورای عالی دفاع — مانند آیت‌الله

خامنه‌ای — نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌های استراتژیک نیز تحت تأثیر تفسیرهای دینی از مفاهیمی مانند «دفاع مشروع» و «حفظ نظام» قرار داشت. در سطح پشتیبانی، شبکه هیئت‌های مذهبی و مساجد، با جمع‌آوری کمک‌های مردمی و سازماندهی اردوهای جهادی، نقش غیرمستقیم اما حیاتی در پشتیبانی از جبهه‌ها ایفا می‌کردند.

افزون بر این، روحانیت با ایفای نقش میانجی در کاهش تنش‌های اجتماعی، ثبات داخلی را در بحبوحه جنگ حفظ کرد. در شرایطی که جنگ فشارهای اقتصادی و روانی شدیدی بر جامعه وارد می‌کرد، روحانیون با استفاده از مکانیسم‌هایی مانند تفسیر رنج‌ها به عنوان «آزمون الهی» و ترویج مراسم دعا و توسل، اضطراب را به تاب‌آوری تبدیل می‌نمودند. برای نمونه، در بمباران‌های تهران، مساجد به پناهگاه‌هایی امن بدل شدند که در آنجا علاوه بر اقامه نماز، غذا و دارو نیز توزیع می‌شد. این اقدامات، همراه با روایت‌گری قدسی از شهادت — مانند تعبیر «حیات طیبه شهدا» برای کشته‌شدگان — به جامعه این توانایی را داد که از پس فقدان عزیزان برآید و آن را به «سرمایه‌ای معنوی» برای ادامه مقاومت تبدیل کند.

تأثیرات بلندمدت این نقش‌آفرینی در دو سطح سیاسی و فرهنگی مشهود است. در سطح سیاسی، مشارکت روحانیت در مدیریت جنگ، جایگاه آنان را به عنوان بازیگران کلیدی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی تثبیت کرد. پس از جنگ، نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی شاهد حضور پررنگ روحانیونی بودند که تجربه همکاری با ارتش و بسیج را داشتند. برای مثال، در مذاکرات هسته‌ای دهه ۱۳۸۰، استناد به فتوای مراجع درباره «حق مسلم ایران» بر توسعه انرژی صلح‌آمیز، به خط قرمز غیرقابل مذاکره تبدیل شد. در سطح فرهنگی، گفتمان دفاع مقدس از طریق نمادها، متون درسی و مناسبت‌های سالانه — مانند راهپیمایی ۳۱ شهریور — به شکلی نظام‌مند بازتولید می‌شود. کتاب‌های درسی دوره متوسطه با گنجانیدن داستان‌هایی مانند «خونین‌شهر»، نسل جوان را با روایت رسمی از مقاومت آشنا می‌سازند، در حالی که تولیدات سینمایی مانند «چ» و «اخراجی‌ها» این گفتمان را در قالب هنر مردمی زنده نگه می‌دارند.

این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که دفاع مقدس نه یک رویداد صرفاً نظامی، بلکه پروژه‌ای هویت‌ساز بود که در آن نهادهای دینی، رنج جنگ را به «سرمایه نمادین» تبدیل کردند. این تبدیل از طریق مکانیسم‌های پیچیده‌ای صورت گرفت: نخست، تقدیس رنج با روایت‌های دینی؛ دوم، نهادینه‌سازی مشارکت مردمی در قالب‌های سازمانیافته؛ و سوم، بازتعریف مفاهیمی مانند مرگ و

فداکاری در چارچوب گفتمان مقاومت. برای نمونه، شهادت نه به عنوان پایان زندگی، بلکه به مثابه «آغاز حیاتی ابدی» بازنمایی شد — روایتی که هم تسلی‌بخش خانواده‌ها بود و هم انگیزه‌ای برای جذب داوطلبان جدید.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تلفیق کارکردهای دینی و سیاسی، الگویی منحصر به فرد برای مدیریت بحران ارائه می‌دهد که می‌تواند در مطالعات تطبیقی — مانند نقش کلیساها در جنگ‌های داخلی آمریکای لاتین یا نهادهای دینی در مقاومت فلسطین — مورد بررسی قرار گیرد. این الگو سه مؤلفه کلیدی دارد:

۱. «سازماندهی شبکه‌ای»: استفاده از نهادهای دینی (مساجد، کلیساها) به عنوان پایگاه‌های پشتیبانی و ارتباطی.

۲. «مشروعیت‌بخشی گفتمانی»: تبدیل اهداف سیاسی به «تکالیف دینی» از طریق تفسیرهای مذهبی.

۳. «مدیریت روانی-اجتماعی»: کاهش تنش‌ها با روایت‌سازی معنوی از رنج و تقدیس مقاومت.

در پایان، این پژوهش نشان می‌دهد که پیوند ناگسستنی بین نهادهای دینی و ساختار قدرت در ایران معاصر، ریشه در تجربه دفاع مقدس دارد. روحانیت با تبدیل جنگ به گفتمانی فراتاریخی، نه تنها مشروعیت نظام سیاسی را تقویت کرده، بلکه هویت ملی را حول محور «مقاومت» بازتعریف نموده است. این فرآیند، که در سیاست خارجی ایران — از حمایت از گروه‌های مقاومت تا موضع‌گیری در قبال تحریم‌ها — بازتاب یافته، نشانگر آن است که دفاع مقدس همچون اسطوره‌ای زنده، به ابزاری راهبردی در مواجهه با چالش‌های نوین بدل شده است. چنین الگویی از همگرایی دین و سیاست، نه تنها برای درک تحولات ایران، بلکه برای تحلیل نقش نهادهای دینی در بحران‌های جهانی در عصر حاضر نیز حائز اهمیت است.

منابع

قرآن کریم.

- امانی، محمدرضا (۱۳۸۸). روحانیت و مدیریت بحران در جنگ تحمیلی: از اختلافات داخلی تا وحدت ملی. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات جنگ ایران و عراق، چاپ اول.
- پورمحمدی، محمد (۱۳۸۹). گفتمان جهاد و شهادت در جنگ ایران و عراق: از نظریه تا عمل. قم: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، جلد ۲.
- حسینی، سیدعلی (۱۳۷۹). نقش روحانیت در تقویت امیدواری طی دوران دفاع مقدس: تحلیل خطبه‌ها و مراسم مذهبی. اصفهان: انتشارات فرهنگ مقاومت، چاپ سوم.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). نقش روحانیت در سیاست‌گذاری امنیتی ایران پس از دفاع مقدس. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- رحمانی، علی (۱۳۹۸). تحلیل جایگاه روحانیت در شورای عالی امنیت ملی پس از جنگ تحمیلی، مطالعات امنیت ملی، ۱۵(۵۶)، ۳۴-۶.
- رحیمی، محمود (۱۳۸۷). نقش مساجد و حوزه‌های علمیه در تشکیل بسیج مردمی دفاع مقدس. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم.
- رضایی، حسین (۱۳۹۲). آموزش‌های دینی رزمندگان در جبهه‌های جنگ: از خطبه‌ها تا جزوات آموزشی. قم: نشر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، چاپ دوم، جلد ۳.
- سعیدی، علی (۱۳۹۵). تحلیل محتوای خطبه‌های نماز جمعه در بسیج مردمی دوران دفاع مقدس، مطالعات تاریخ اسلام، ۱۰(۳۷)، ۱۴-۱۱۲.
- سعیدی، علی (۱۳۹۵). نقش روحانیت در بسیج اجتماعی دفاع مقدس: تحلیل خطبه‌ها، فتاوا و نمادهای دینی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول.
- شریعتی، مهدی (۱۳۷۸). رسانه‌های دینی و گفتمان مقاومت در دفاع مقدس. اصفهان: انتشارات نقش خورشید، چاپ سوم.
- علوی، سیدمحمد (۱۳۹۵). نقش مراسم مذهبی در ترویج فرهنگ ایثار میان رزمندگان دفاع مقدس، مطالعات فرهنگی-اجتماعی دفاع مقدس، ۵(۱۸)، ۱۱۰-۱۴.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۵). گفتمان دفاع مقدس در نظام آموزشی ایران: از کتاب‌های درسی تا نمادهای فرهنگی. قم: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، جلد ۱.
- فتحی، سیدحسین (۱۳۹۰). همکاری روحانیت و ارتش در جنگ تحمیلی: اسناد و تحلیل‌ها. قم: نشر مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ اول، جلد ۱.

- قاسمی، احمد (۱۳۹۵). آموزه‌های دینی و کاهش اضطراب در جامعه جنگزده: مطالعه موردی دفاع مقدس. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، جلد ۱.
- کاظمی، علی (۱۳۷۵). پشتیبانی پشتیبانی نهادهای دینی در دوران دفاع مقدس: از مسجد تا جبهه. اصفهان: انتشارات شهیدان، چاپ سوم.
- کرش، افرایم (۲۰۰۵). نقش فتواهای دینی در جنگ ایران و عراق، ترجمه احمد رضایی، پژوهش‌های تاریخی، ۱۵(۲)، ۵۵-۸.
- کریمی، محمد (۱۳۹۰). میانجی‌گری روحانیت در حل اختلافات جناحی دوران دفاع مقدس، مطالعات اجتماعی ایران، ۶(۲۱)، ۳۴-۶.
- گیدنز، آتونی (۱۳۷۷). دین و مدیریت بحران در جوامع مدرن، ترجمه سعید رضایی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- محمدی، علی (۱۳۸۵). فرهنگ شهادت و مقاومت: نقش مدارس دینی در ترویج ایدئولوژی دفاع مقدس. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- موسوی، سیدحمید (۱۳۹۷). نمادهای مقاومت: بازتولید دفاع مقدس در سینما و ادبیات ایران. اصفهان: انتشارات نقش جهان، چاپ اول.
- موسوی، سیدرضا (۱۳۹۲). سازمان‌دهی نیروهای مردمی توسط نهادهای دینی در دفاع مقدس، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۸(۲۹)، ۸۸-۱۱.
- موسوی، فاطمه (۱۳۸۵). کارکرد مراسم ادعیه خوانی دسته‌جمعی در کاهش اضطراب ناشی از جنگ: نمونه‌پژوهی دفاع مقدس، روانشناسی اجتماعی، ۸(۳۰)، ۹۲-۱۱.
- نجفی، حسن (۱۳۸۲). مساجد و نمادهای دینی در بسیج مردمی دفاع مقدس. تهران: انتشارات شهید سعیدی، چاپ سوم.
- نجفی، حسن (۱۳۸۵). همکاری روحانیت با دولت در تدوین استراتژی دفاعی: مطالعه موردی شورای عالی دفاع، علوم سیاسی، ۱۲(۴۵)، ۳۲-۵.
- نصری، قدیر (۱۳۸۸). تبیین مفاهیم جهاد و شهادت در متون آموزشی حوزه‌های علمیه دوران جنگ، پژوهش‌های تاریخ اسلام، سال ۱۰(۳۵)، ۷۵-۱۰.
- نوری، زهرا (۱۳۹۵). نقش بنیاد شهید در ترویج گفتمان دفاع مقدس از طریق نمادهای فرهنگی، پژوهش‌های فرهنگی-اجتماعی، سال ۱۰(۳۷)، ۱۲۰-۱۵.
- هال، جان (۱۳۷۵). نقش نمادهای دینی در جنگ‌های مدرن، ترجمه احمد قاسمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هالیدی، فرد (۱۳۸۰). دین و استراتژی نظامی در خاورمیانه، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲). سازمان‌دهی سیاست در جوامع پساجنگ، ترجمه محمود رنجبر، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

Ansari, Ali M. (۲۰۱۰). *The Legacy of the Iran-Iraq War in Iran's Political Culture*, Middle Eastern Studies, ۴۶(۵), pp. ۷۵۸-۷۳۵.

Axworthy, Michael (۲۰۱۳). *Revolutionary Iran: A History of the Islamic Republic*. Oxford: Oxford University Press, ۱st Edition, pp. ۳۱۵-۲۹۰.

Esposito, John L. (۱۹۹۸). *Islam and Politics* (۱th ed.). Syracuse: Syracuse University Press, ۳۶۸pp.

Esposito, John L. (۲۰۰۱). *The Power of Symbols: Jihad and Martyrdom in Modern Islamic Discourse*, Journal of Islamic Studies, ۱۲(۳), pp. ۳۷۰-۳۴۵.

Esposito, John L. (۲۰۰۴). *Religious Coping Mechanisms in War: The Case of Iran-Iraq War*, Journal of Religion and Health, ۴۳(۳), pp. ۲۳۰-۲۱۰.

Huntington, Samuel P. (۱۹۹۶). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster, 1st Edition, pp. ۲۷۳-۲۵۰.

Karsh, Efraim (۲۰۰۲). *The Iran-Iraq War: ۱۹۸۰-۱۹۸۸*. Oxford: Osprey Publishing, ۱st Edition, ۹۶pp.

Karsh, Efraim (۲۰۰۵). *The Role of Religious Institutions in Iran's War Strategy*, Middle Eastern Studies, ۴۱(۴), pp. ۵۷۲-۵۵۱.

Keddie, Nikki R. (۲۰۰۳). *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. New Haven: Yale University Press, ۱st Edition, pp. ۲۵۵-۲۳۰.

Nasr, Vali (۲۰۰۶). *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. New York: W. W. Norton & Company, ۱st Edition, pp. ۱۷۰-۱۴۵.

Roy, Olivier (۲۰۰۷). *The Role of Religious Education in Shaping Militant Ideologies: A Case Study of Iran-Iraq War*, Journal of Middle Eastern Studies, ۳۹(۲), pp. ۲۵۶-۲۳۴.

Takeyh, Ray (۲۰۰۹). *Guardians of the Revolution: Iran and the World in the Age of the Ayatollahs*. Oxford: Oxford University Press, ۱st Edition, pp. ۹۵-۱۲۲.